

انسجام در پیکره میان فرهنگی فرهنگ فقر شهری

(تحلیل سازه‌ی و بین‌رشته‌ی فرهنگ فقر شهری در تهران، مورد مطالعه: مناطق ۱۰ و ۱۷ شهر تهران)

- فاطمه ملک محمدی ۱
- اصغر مهاجری ۲
- مهرداد نوابخش ۳

- چکیده

در تعامل میان فرهنگی (فرهنگ روستایی، ایلاتی، شهری و ...) برخی از خرده فرهنگ‌های پیرامون فقر، فرهنگ فقر شهری بر ساخت می‌شود. در نتیجه واقعیت فقر، ماهیت فرهنگی خاصی را نمایان می‌سازد و صاحبان این فرهنگ (فقرا) معنا و تفسیر دیگری از فقر می‌نمایند و مساله فقر متمایز بیان می‌شود. اهمیت و ضرورت چنین نگاه و رویکردی به مساله فرهنگ فقر به دلیل روند روبه‌افزایش فقر شهری و الگوی انتشاری آن در شهرهای جهان، ایران و به طور خاص در شهر تهران در دهه‌های اخیر، دوچندان است. نوشتار حاضر بخشی از یک پژوهش است که زمینه‌ها، میانجی‌ها و پی‌آمدهای فرهنگ فقر، فقر فضای شهری و فرهنگ فقر شهری، را در سطوح خرد و کلان، ذهن و عین، ساختار و عامل، به‌ویژه از منظر رشته‌های فرهنگی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی فرهنگی، در برخی مناطق شهری تهران به‌روش آمیخته هم‌زمان و متوالی مطالعه و پژوهش نموده است. حجم نمونه بخش کیفی پژوهش برای اجرای گروه‌متمرکز ۱۴ متخصص و خبره و برای بخش کمی (پیمایش) ۳۶۰ خانوار از مناطق ۱۰ و ۱۷ شهر تهران بود که به‌شیوه نمونه‌گیری جی‌پاور، انتخاب و پرسش‌نامه پژوهش‌گر ساخته روادار (آلفای بیش از ۰/۹۴) را تکمیل کردند. برخی از دست‌آوردهای بخش کیفی، تعریف و بر ساخت سازه مفهومی و نظری فرهنگ فقر شهری و تدوین ابعاد تشکیل‌دهنده و نظام‌مندی آن در قالب گزاره‌های نظری است. یافته‌های پیمایش، سنجش فرضیه‌های مرتبط با فرهنگ فقر شهری است که نشان‌گر انسجام درونی و بیرونی آن‌ها و تایید معناداری رابطه میان خوشه‌ی و درون‌خوشه‌ی فرهنگ فقر شهری با فقر فضای شهری توسط آزمون‌های آماری T و همبستگی‌های رگرسیونی است.

- واژه‌گان کلیدی: فقر، فرهنگ فقر شهری، فقر فضای شهری، فرهنگ شهری، میان فرهنگی.

- بیان مساله

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

(Email: Malekmohammadi.fa@gmail.com)

۲ استاد یار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).

(Email: asgharmohajeri@yahoo.com)

۳ استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و علوم اجتماعی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: navabakhsh@srbiau.ac.ir)

زمانی که فقر و به‌ویژه فقر شهری^۴ در یک تعامل میان فرهنگی (فرهنگ روستایی، ایلاتی، شهری و ...) فرهنگ می‌شود، واقعیت فقر بر ساخت دیگری را نمایان می‌سازد و صاحبان این فرهنگ (فقر) معنا و تفسیر دیگری از فقر می‌نمایند. در چنین وضعیتی نه تنها صورت و بیان مساله فقر متمایز می‌شود بلکه تعریف و تفسیر باز تولیدی و جدیدی از فقر ظاهر می‌گردد که توصیف، تبیین، برآورد/پیش‌بینی و به‌ویژه تجویزهای کاربستی آن نه تنها متفاوت است بلکه رویکرد نوین تلفیقی و بین‌رشته‌ای را ایجاب می‌کند تا بتوان در سایه‌سار نظام نظری ویژه و روش‌پژوهی خاص آن را کاوید و کالبدشکافی نمود. نگاه فرهنگی به فقر و فقر شهری، در سطوح خرد و کلان، ذهن و عین، ساختار و عامل، به‌ویژه از منظر رشته‌های فرهنگی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی فرهنگی، نه تنها مهم بلکه بسیار ضروری است. اهمیت چنین نگاه و رویکردی به مساله فرهنگ فقر به دلیل روند روبه‌افزایش فقر شهری و الگوی انتشاری آن در شهرهای جهان ، ایران و به‌طور خاص در شهر تهران در دهه‌های اخیر، دوچندان است.

چشم‌ها را شست و مساله فقر و به‌طور خاص فقر شهری را جور دیگر باید دید. چون‌که، در فرایند توسعه نامتوازن با ایجاد زمینه‌ها، بسترها و شرایط خاص، ریشه‌های فقر جوانه می‌زند، رشد می‌کند، تنومند می‌گردد و به تائید نظریه اسکار لوییس، پس از نهادی و تثبیت شدن در چند نسل، الگوی ویژه‌ای برای انتشار و انبساط پیدا می‌کند و در نهایت فقر، فرهنگ شده و نظام معیارین آن در قالب ارزش‌ها و هنجارها در زندگی و امروزه در زندگی شهری جاری می‌شود و کیفیت زندگی شهری را تعیین می‌کند. در زیست جهان اجتماعی امروزی، پدیده فقر چتر خود را در شهرها گسترانده و کیفیت زندگی شهری را تهدید و انواع آسیب‌های شهری باز تولید می‌نماید. هر چند در تبیین ریشه‌ها و دلایل رگسترش فقر در می‌یابیم، فقر انتقالی از زیست‌گاه‌های فقیر روستایی و مناطق محروم، به شهر مهاجرت می‌کند، اما این فقر انتقالی در بسترها، زمینه‌ها و شرایط شهری مانند فقر فضای شهری، بر ساخت، تنومند و به عنوان یک فرهنگ انبساط و گسترش می‌یابد. به عبارت دیگر، در مرحله پایانی، پی‌امدی و کارکردی چرخه معیوب توسعه ناپایدار یک جامعه و کشور به نقطه شروع و آغازین یک توسعه نامتوازن شهری می‌رسیم. به تعبیر مایکل تودارو (۱۳۹۹)، صاحب‌نظر پرآوازه عرصه اندیشه‌های توسعه، مهاجر فقیر به دلیل چرخه و فرایند معیوب توسعه نیافتگی، از «چاله‌ی روستا برمی‌خیزد و به چاه‌ی در شهر می‌افتد» و در نتیجه آهنگ باز تولید فرهنگ فقر شهری نواخته می‌شود. از این‌روی از فرهنگ فقر اسکار لوییس باید گذر کرد و از سازه جدید " فرهنگ فقر شهری" ، سخن گفت و بر این بنا و ساختمان جدید، گزاره‌های نظری جدیدی چیدمان کرده و نظریه فرهنگ فقر شهری را تدوین نمود. هدفی که دغدغه نوشتار حاضر است و از اهداف تحلیل میان رشته‌ای و میان فرهنگی سازه و پیکره فرهنگ فقر شهری می‌باشد که حاصل تعامل فرهنگ‌های مبدا و مقصد تولید کنندگان و گسترش‌دهندگان فرهنگ فقر شهری است. باید بعد از این از اصطلاح و سازه کلیدی فقر شهری، فراوان نوشت و در پیرامون اش پژوهش نمود و برای آن انباشت دانشی ایجاد کرد. هر چند در پهنای گسترده زندگی شهری، فقر شهری رشد بی‌رویه داشته و کیفیت زندگی شهری، مساله عمده زیست شهری امروزی جهان است، اما در این میان عامل پیش‌ران و علی با نام فرهنگ فقر شهری^۵ در درون یک "فضای شهری" ^۶ به عنوان عامل تسهیل گر، آسیب های فرهنگی اجتماعی/ شهری را در کیفیت زندگی شهری ترجمان و باز نمایی می‌کند.

حال اگر مساله را ناسازگاری بین وضع مطلوب (رفاه، آسایش، کیفیت زندگی شهری مطلوب و مورد انتظار) و وضع موجود (فقر، نداری، فقدان رفاه و تامین اجتماعی و معیشتی و یا کیفیت زندگی شهری نامطلوب) در جامعه آماری پژوهش

⁴Urban Poverty

^۵ فرهنگ فقر شهری، نامی است که پژوهش حاضر قصد دارد آن را به عنوان یک سازه مفهومی به ادبیات دانش شهری و به‌ویژه به جامعه شناسی فرهنگی و جامعه شناسی شهری، اضافه نماید.

⁶ Spaces Urban

تعریف کنیم، آن هنگام بر اساس واقعیت‌های قابل‌مشاهده میدانی، آمارها و گزارش‌های مستند موجود، باید مدعی شد که وضعیت و میزان فقر شهری، فقدان رفاه، آسایش و کیفیت زندگی شهری برخی مناطق و محله‌های پای‌تخت کشور، پایین، نامطلوب و نگران‌کننده است و این وضعیت ناگوار؛ با انتشار گسترشی، پیش‌رونده و روزافزون انواع گونه‌های آسیب‌های شهری و پخش فضایی آن در برخی از مناطق و محله‌های شهر تهران در حال رشد، هشدار و ویران‌گری هست. به تعبیر بیل‌سوبرو (۱۹۹۸)، بالاتر از سطح شهرنشینی و پایین‌تر از فقر مطلق هستیم. به عبارت دیگر، هرچند تعداد شهرنشینان بیشتر می‌شود، اما تأثیر مطلوبی در کاهش فقر مطلق در مناطق شهری و روستایی ندارد. وضعیت فقر و فقر شهری در ایران، با سرعت بیش‌تری روبه‌افزایش است و براساس آخرین برآوردهای صورت‌گرفته در سال ۱۳۹۸، دست‌کم ۶۰ درصد خانوارهای دهک اول درآمدی و ۸۳ درصد خانوارهای دهک دوم درآمدی زیر پوشش هیچ‌کدام از نهادهای رسمی نیستند. این وضعیت در سالیان اخیر و به‌ویژه در سال ۱۴۰۳، بسیار نگران‌کننده‌تر است.

برخی روستائینان و مناطق فقیر براساس باور کاذب و زعم‌شان که شرایط ثروت، رفاه، آسایش، کیفیت زندگی شهری، مانند؛ فرصت‌ها و شانس‌های بهره‌مندی از خدمات معیار و مطلوب شهری، مسکن و دیگر الزامات استاندارد یک زندگی، در شهرها فراهم است و با «امید به زندگی و زیست شهری بهتر، به شهری با توسعه نامتوازن مهاجرت می‌کنند» (باقری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹) اما این مهاجران پس از پناه آوردن به شهر، وضع مطلوب خیالی را تجربه نمی‌نمایند. چون‌که این وضع مطلوب در بسیاری از شهرهای ایران هم‌چون جامعه آماری پژوهش حاضر وجود ندارد و وضع موجود آنان با وضع مطلوب‌شان، ناسازگار، متعارض و متناقض است. هرچند آنان میل به تغییر این وضعیت را دارند اما در جنبه موانع و محدودیت‌های ناشی از تله بزرگ فرهنگ فقر شهری و به تبع آسیب‌های شهری ناشی از آن گرفتار بوده و نمی‌توانند از وضع موجودشان عبور کنند و این‌بار زندگی‌شان بوی فقر شهری می‌دهد. به گزارش پژوهشگران برجسته جهانی، در پی ایجاد و گسترش فقر شهری، مسائل و آسیب‌های شهری در طول تاریخ در نواحی شهری/ حاشیه نشین‌های شهری بالا بوده و کیفیت زندگی شهری در جهان امروزی و به‌ویژه در کشورهای جهان سومی پایین است (دهلوی، ۲۰۰۰: ۳۰۱). به‌طوری‌که بسیاری از آناهنجاری‌ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی در جوامع معاصر، مانند خشونت، پر خاشگیری، تجاوز به حقوق دیگران و رعایت نکردن قانون و...، علاوه بر داشتن ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی در کیفیت فضاهای سکونتی و کاری آنان نهفته است (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۱۹) و نگرانی درباره فقر شهری با توجه به آسیب‌های مذکور از خصوصیات جامعه شهری معاصر است (پکینو، ۲۰۰۳: ۱۹). فرهنگ فقر شهری به عنوان یک "برساخت فرهنگی اجتماعی" ۷ پی‌آمد فقر شهری و آسیب‌های شهری است که از آسیب‌بنیادی و علی فقر شهری شروع و فقر فضایی شهری گسترش می‌یابد. پژوهش حاضر به عنوان اولین پژوهش و تجربه می‌خواهد به صورت نوآورانه، مساله و موضوع مزبور را در ساحت پژوهشی بین رشته‌ای (جامعه‌شناسی فرهنگی، توسعه، شهری، برنامه ریزی شهری و...) و در سطوح عینی و ذهنی (تلفیقی) بررسی و پژوهش کند و در یک نظام برهم کنشی و برساختی انسجام ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ فقر شهری، فقر فضایی شهری را ابتدا به روش کیفی برساخت و سپس در جامعه آماری پژوهش اندازه‌گیری و سنجش نماید و میزان همبستگی و رابطه معناداری ابعاد تشکیل دهنده فرهنگ فقر شهری و فقر فضایی شهری، میزان رابطه شدت شیوع فرهنگ فقر شهری را با میزان وسعت فقر فضایی شهری، توصیف، تبیین، برآورد و برای حل مساله تجویزهای کاربردی ارایه نماید.

- مرور ادبیات تجربی و نظری

به تعبیر کرسول (کرسول، ۱۳۹۶: ۳۴)، پرسش‌های پژوهش راهنمای مرور ادبیات تجربی و نظری پژوهش است. از این‌روی براساس پرسش‌های بنیادین؛ وضعیت توزیع و میزان انسجام و همبستگی ابعاد تشکیل‌دهنده عامل فرهنگ فقر شهری در محله‌های جامعه آماری پژوهش و توزیع وضعیت عامل فقر فضایی شهری به عنوان یک عامل زمینه‌ای مؤثر در بازتولید و پخش فضایی فرهنگ فقر شهری، ادبیات تجربی و نظری نوشتار حاضر را بررسی و مرور می‌کنیم. هر چند در مورد تحلیل سازه عامل فرهنگ فقر شهری و فقر فضایی شهری مطالعه و پژوهش جدی و مستقیم وجود ندارد ولی برخی مطالعات به صورت مستقیم/ غیرمستقیم در ایران به فقر شهری، دلایل و پی‌آمدهای آن در شهرها پرداخته است، این

Commented [DM1]: براساس راهنمایی مدیر محترم داخلی مجله و

داوران عزیز؛

کل متن مقاله بازخوانی و متناسب با فرمت مجله و .. ویرایش کلی گشت. و هم تلخیص شد.

هم ویرایش ادبی

و هم ویرایش محتوایی

Commented [DM2]: ایضا

و هم چنین براساس فرمت مجله به علاوه رعایت ترتیبات زمانی ادبیات ...

مطالعات، پژوهش‌ها و نوشتارها، بیش‌تر دردهی اخیر انجام پذیرفته‌اند که در ادامه برخی از ادبیات تجربی در حوزه فقر شهری و مسایل پیرامونی آن را به خلاصه و با توالی تاریخی مرور می‌کنیم.

عینی (۱۳۷۶) در پژوهشی، مدل اسکار لونیس را در تعدادی از روستاهای فقیر نشین ایران مورد آزمون قرار داده است. او دریافت که «فرهنگ فقر» در روستاهای مورد مطالعه وجود دارد و برای حل این مشکل، افزایش سواد بین روستاییان را پیشنهاد نمود. پیران (۱۳۸۴) موضوع فقر را در حاشیه نشینی و حلبی آبادها، به‌ویژه حلبی آبادی‌هایی که در فاصله سال‌های بعد از انقلاب در شهر تهران پدید آمده بودند را پژوهش کرده است. در این مطالعه اجتماع آلونک نشین مناطق ۲، ۴، ۸، ۱۵، ۱۰، ۱۶، ۲۰، شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهشی او نشان می‌دهد، هر چند به‌نظر می‌رسد؛ انقلاب چون به گونه‌ای زمینه‌ای را برای فقر فراهم کرده تا آنان برای خود در نظام سیاسی «نقش» قائل شوند، و از این‌روی فرهنگ فقر کم و بیش از بین برود ولی برای آن مصداقی مشاهده نشد. احمدی و ایمان (۱۳۸۴) در پژوهش ارتباط فرهنگ فقر و رفتارهای بزمکارانه در بین حاشیه نشینان ده پیلال شهر شیراز دریافتند فرهنگ فقر از مناطق فقیر مهاجر فرصت به مناطق حاشیه‌نشین شهر، منتقل و در آن تشدید می‌گردد و رابطه معناداری بین رفتارهای بزه کارانه با فرهنگ فقر وجود دارد. نوابخش و همکاران (۱۳۸۷)، در یک بررسی با روش پیمایشی درباره فقر در بین حاشیه‌نشینان آخماقیه تبریز، به این نتیجه رسیدند که قانون گریزی یک آسیب اجتماعی جدی است و فرهنگ فقر بسترهای مناسبی را برای قانون گریزی و توجیه اعمال قانون گریزانه فراهم آورده است و فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی به مکانیسم‌های خنثی و توجیه رفتار هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و غیر هنجاری عمل نماید. شاه حسینی و همکاران (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود در دانشگاه رازی با عنوان شناخت فرهنگ فقر روستاییان (مطالعه موردی: شهرستان هرسین) بیان می‌دارد؛ بسیاری از مشکل‌های اجتماعی، پی‌آمد فقر می‌باشند. فقر به دلیل قدمتی که دارد، توانسته است در فرهنگ جامعه‌های مختلف نفوذ نماید و فرهنگی به نام، فرهنگ فقر را برای فقرا ایجاد کند. از آن جایی که قسمت بزرگی از برنامه‌های توسعه‌ی روستایی، مربوط به بحث فقرزدایی است، او معتقد است بدون شناخت این فرهنگ نمی‌توان در فقرزدایی موفق بود. بنابراین، باید فرهنگ فقر را در بین روستاییان شناسایی نمود. نتیجه پژوهش بیانگر این است که مشخصه‌های فرهنگ فقر در بین روستاییان شهرستان هرسین شامل موارد زیر است: عدم توجه به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، مورثی بودن فقر، انزوای شدید اجتماعی، انزوای فضایی و مکانی، وضعیت اقتصادی بسیار بد و عدم مشارکت اجتماعی. عزیزی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی رابطه حاشیه نشینی با بازتولید فرهنگ فقر پرداخته است و بیان می‌دارد که بر اساس نظریه فرهنگ فقر اسکار لونیس مطرح می‌کند مناطق حاشیه‌ای شهرها دارای شرایط و ویژگی‌های فرهنگ فقر هستند و در این مناطق حاشیه‌ای فرهنگ فقر بازتولید می‌شود. مدل نظری پژوهش حاضر بر اساس نظریه شبکه و فرهنگ فقر اسکار لونیس طراحی شده است. روش مورد استفاده روش پیمایش با ابزار گردآوری پرسشنامه می‌باشد که در مرحله شهید مطهری (زیرنهر تراب) پارس آباد مغان به تعداد ۳۳۶ نفر تکمیل شده است. بر اساس نتایج پژوهش مزبور با مقدار همبستگی ۰.۲۲۸٪ بین سکونت در محله‌های حاشیه‌ای و بازتولید فرهنگ فقر در سطح اصمینان ۹۹٪ رابطه معناداری وجود دارد. مهاجری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی دریافتند که فرهنگ فقر شهری، سازه‌ای پیچیده، چندلایه و چندبعدی است که در فقر فضای شهری گسترش می‌یابد و شرایط را برای گسترش آسیب‌های شهری فراهم نموده و به شدت کیفیت زندگی شهری را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، عامل فرهنگ فقر شهری بیش از ۸۰ درصد واریانس کفست زندگی شهری را تبیین می‌کند.

پژوهش‌گران خارجی هم به صورت مستقیم/ غیرمستقیم در پیرامون فرهنگ فقر مطالعه و پژوهش کردند. در پژوهشی که لونیس (۱۹۵۳) قبل و بعد از انقلاب کوبا در محله‌های فقیر نشین کوبا انجام داد به این نتیجه رسید که اگرچه در آن محله‌ها فقر کاملاً از بین نرفته است، اما فرهنگ فقر در آن جا در حال از بین رفتن است. زیرا حرکتی که انقلاب در آن جا به وجود آورد، احساس بدبختی، بی‌علاقگی و ناامیدی که همگی از وجوه مشخصه فرهنگ فقر در محله‌های فقیر نشین شهر هاست در بین مردم کوبا بسیار کم به چشم می‌خورد و مردم نسبت به رهبران خود اعتماد بسیاری داشتند و امیدوار بودند که در آینده کیفیت زندگی بهتری داشته باشند. بعد از انقلاب، مردم مملکت را متعلق به خود می‌دانستند و به علت احساس تعلق بالایی که نسبت به کشور خود داشتند احساس قدرت و اهمیت می‌کردند (به نقل از اشرف، ۱۳۵۵: ۹۴). کاهش فرهنگ فقر بیش از فقرزدایی می‌تواند در کاهش انحراف اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی مؤثر باشد. کاساردا (۲۰۱۰)، در پژوهشی که بر روی صد شهر بزرگ آمریکایی انجام داده است، ترکیبی از آمارهای رسمی فقر، نواحی محروم و طبقه پایین را برای ایجاد دو نشان‌گر پایه نواحی

نابسامان و شدیداً نابسامان استفاده کرده است. نواحی نابسامان، مناطقی هستند که آمارهای رسمی به‌طور هم‌زمان نشان دهنده سطوح عنان گسیخته و فقر بالا، بیکاری، خانوارهای زن سرپرست و دریافت کنندگان رفاه می‌باشند. نواحی شدیداً نابسامان علاوه بر همه خصوصیات فوق، میزان بالای نوجوانان ترک تحصیل کرده را نیز دارا هستند که نشانه‌های متفاوتی از نابسامانی اجتماعی و پریشانی ساکنان را مطرح می‌کند. مطابق مطالعات کاساردا، عمومی‌ترین شاخص نابسامانی اجتماعی، اندازه‌گیری درصد رسمی فقر فرهنگی در محدوده یک شهر است. کاساردا همچنین تأکید دارد که علاوه بر فقر، نابسامانی اجتماعی با آسیب‌شناسی شرایط اجتماعی نیز ارتباط دارد؛ درست مانند خصوصیات نابسامانی اجتماعی که توسط ویلسون در نظر گرفته شده بود. بالین‌حال، طبق پژوهش جدید ویلسون و کاساردا، قلمروی تعاملات اجتماعی در مرکز شهرهای آمریکایی (دریک نمونه آرمانی مرکز شهری) از نظر اقتصادی شدیداً فاجعه آمیز و از نظر فرهنگی، ضد ارزش‌های اساسی می‌باشد که توان فردی را محدود می‌کند و ساختمان‌های معیوب که از تورفتگی‌هایی تشکیل شده (فقر فضایی شهری) الگوهای آسیب‌ها را تقویت می‌کنند. یاپ و مکفارلی (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «درک و پژوهش در مورد فقر شدید شهری: یک رویکرد مفهومی - روش شناختی» دو مرحله‌ی به‌شناسایی و درک ماهیت فقر شدید شهری در شهر بمبئی و لیما پرداخته‌اند. آنها فقر شدید شهری را از دیرباز به عنوان یک چالش حیاتی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تلقی کرده‌اند که نیازمند بررسی از طریق مجموعه‌ی از ابعاد و رویکردها است. سطح فقر شدید شهری با پنج بعد مادی، اقتصادی، سیاسی، فضایی و عاطفی ذهنی در ارتباط است. این دو پژوهشگر، علل و بنیاد شکل‌گیری پدیده فقر شدید شهری را با چهار رویکرد معرفتی؛ اقتصاد سیاسی، اکولوژی سیاسی، شهرسازی فمینیستی و شهرسازی پسااستعماری بررسی کرده‌اند.

در مرور ادبیات نظری فقر، فقر شهری و فرهنگ فقر شهری، مفاهیم، اصطلاح‌ها، سازه‌ها، تعاریف و گزاره‌های نظری، و ادبیات مفهومی و نظری غنی و قابل‌توجهی وجود دارد. از مهم‌ترین، کلیدی‌ترین و موثرترین سازه‌های اجتماعی که در زیست جهان اجتماعی امروزی و به‌ویژه در حوزه‌های دانشی بین رشته‌ای؛ علوم اجتماعی، انسانی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی، گرایش‌های جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی، توسعه، شهری و به‌ویژه جامعه‌شناسی فرهنگی بسیار کاربرد دارد، واژه و سازه چندبعدی و چندلایه‌ی فقر^{۱۰} است. "فقر یک پدیده چند بعدی است که شامل ناکامی در رضایت‌مندی بر مبنای نیاز و کمبود در دست‌یابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامت، تغذیه، پناهگاه و امکانات بهداشتی است که آسیب‌پذیری اجتماعی، خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد" (کلهر، ۲۰۱۳: ۸۴). عموم نظریه‌پردازان این حوزه، از یک‌طرف، فقر را در کنار محرومیت می‌آورند و معتقدند این محرومیت است که دسترسی به فرصت‌ها، شانس‌ها و منابع زندگی را محدود می‌سازد و از طرف دیگر، محرومیت/ فقر را ناشی از نابرابری و توسعه نیافتگی می‌دانند. "تأثیر متخص اقتصاد جهان سوم، فقر و گرسنگی را رهیافتی تحلیلی به‌سوی محرومیت به‌عنوان هسته اصلی تعریف فقر می‌داند" (زاهدی مازندرانی و زاهدی عقبری، ۱۳۹۶، ۱۵). بر اساس نظریه‌ی گیدنز، فقر نتیجه داشتن/ نداشتن محرومیت از وسایل تولید است. به نظر او، سرمایه‌داران قدرت بیشتری نسبت به کارگران دارند زیرا دارای حق دسترسی و مالکیت بر ابزار تولید را می‌باشند.

به تعبیر لونیس، افراد فقیر شاید بدون فرهنگ فقر نتوانند زندگی کنند. اسکار لونیس در سال ۱۹۵۹ برای بیان نحوه زندگی افراد فقیر و فرودستان شهری، سازه بسیار بنیادین فرهنگ فقر را ابداع کرد. از نظر اسکار فرهنگ فقر سندرم ویژه‌ای است که در برخی اوضاع اجتماعی خاص رشد می‌کند. این فرهنگ تجسم مشترک ارزش‌ها، هنجارها و الگویی متفاوت از فرهنگ عمومی جامعه است و به دلیل خصیصه‌های جهانی، دارای اهمیت جهانی است و از تفاوت‌های منطقه‌ای، روستایی، شهری و ملی فراتر می‌رود (لونیس، ۱۹۵۹، ۳۱). او فقر را دارای ساخت‌وساز و عمل‌عقلایی با شیوه‌ی از زندگی پابرجا معرفی می‌کند که از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. او معتقد است که فقر صرفاً جنبه سلبی ندارد و در واقع فقط به معنای محرومیت اقتصادی نیست، بلکه فقر شیوه‌ی از تفکر و مجموعه‌ی از هنجارهاست که ویژگی سازگار کننده نیز دارد. نکته مهم‌تر این‌که نسل‌های مختلف این فرهنگ را به ارث می‌برند و آن را بازتولید می‌کنند. به اعتقاد اسکار لونیس فرهنگ فقر فرهنگ جدیدی است که در نتیجه برخی تحولات در نظام سرمایه‌داری و توسعه جوامع شهرنشین به وجود آمده است (به نقل از فاضلی، ۱۳۸۹: ۶۵). به اعتقاد او فرهنگ فقر را می‌توان در مرحله‌های فقیرنشین شهری و روستایی به‌تر مطالعه کرد و به احتمال زیاد، نامزدان فرهنگ فقر افرادی از طبقات پایین اجتماعی هستند که اجتماع‌شان در معرض دگرگونی سریع قرار

گرفته و در نتیجه تاحدی از اجتماع خود بیگانگی حاصل کرده اند (لونیس، ۱۹۵۹: ۱۰). اسکارلونیس در زمینه فرهنگ فقر به بیش از ۷۰ خصوصیت آن اشاره کرده است که غالباً در پنج زمینه و ابعاد کلی می‌توان آنرا مطالعه کرد که عبارتند از؛

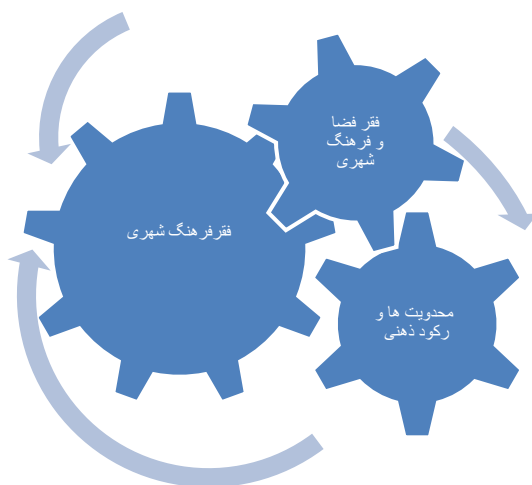
- ۱- فرهنگ فقر به عنوان یک پارامتر فرهنگ در خانواده فقیر از نسلی به نسلی منتقل می‌شود.
- ۲- ائتلاف در طبقه فقیر در جوامع فردگرای طبقاتی بسیار مشکل تر امکان پذیر است.
- ۳- شرکت در فعالیت‌های سازمان‌های خارج از خانواده بسیار محدود است.
- ۴- در سطح خانواده به روابط مشترک و سکس تمایل بیشتری وجود دارد.
- ۵- احساس استفاده از حداکثر منابع موجود، احساس عدم پشتیبانی و احساس حقارت در این جوامع به چشم می‌خورد.

بنت (۲۰۲۰) در کتاب فقرش در مورد اهمیت و گسترده‌گی فقر می‌نویسد، " فقر برای بسیاری از افراد در پیرامون یک وضعیت زندگی روزمره جهانی مهم و جدی است و به شدت کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باعث خسارات بر جوامع می‌شود و بر انسجام اجتماعی تأثیر می‌گذارد. با وجود این، از بسیاری جهات هنوز توافق بر سر چگونگی اندازه‌گیری و درک فقر وجود ندارد و یا توافق مشترک کمتری در مورد علل فقر به چشم می‌خورد ولی درک های مختلف ملی و بین المللی از این که فقر را می‌توان خیلی جدی در نظر گرفت، وجود دارد. با این وجود، سنجش فقر با همه گونه‌هایش همچون؛ فقر مطلق، نسبی، نسلی، زنانه، روستایی، شهری و غیره، مشکل است و با شیوه‌ها و سنجش‌های مختلف اندازه‌گیری و سنجش می‌شود. به عنوان نمونه، بنت گرایو صاحب کتاب فقر ۱۱ به نقل از استارت یور، اتحادیه اروپا، محرومیت مادی/ فقر و یا محرومیت شدید را مربوط به عدم توانایی پرداخت یک یا چند مورد از موارد زیر تعریف کرده است. عدم توانایی. در؛ ۱. دریافت قبض اجاره، رهن یا آب و برق آنها، ۲. در گرم نگه داشتن خانه خود اندازه کافی گرم، ۳. در مواجهه با هزینه های غیر منتظره، ۴. در مصرف منظم گوشت یا پروتئین، ۵. در رفتن به تعطیلات، ۶. برای خرید یک دستگاه تلویزیون، ۷. در خرید یک دستگاه ماشین لباسشویی، ۸. در خرید یک دستگاه خودروی شخصی و ۹. برای تهیه یک تلفن. از نظر بنت، محرومیت مادی به عنوان عدم توانایی و تحقق سه مورد از شماره‌های مزبور تعریف می‌شود. در حالی که میزان محرومیت شدید مادی به عنوان عدم توانایی و پرداخت حداقل چهار مورد تعریف می‌شود. به طور طبیعی، ممکن است در مورد اهمیت همه موارد نظرهای مختلفی وجود داشته باشد (گرایو، ۲۰۲۰: ۵۴).

از گونه‌های مختلف و متعدد فقر، فقر شهری و فرهنگ آن مورد توجه نوشتار حاضر است. با وجود اهمیت و گستره فقر شهری، تعریف واحدی از آن وجود ندارد. فقر شهری که از دیدگاه بین‌المللی در مناطق شهری با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر رخ می‌دهد، یک پدیده چند بعدی است که با چالش‌های روزانه مانند؛ دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی، درآمد ناکافی، ناامنی مسکن، دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و فرصت‌های آموزشی، خشونت‌ها، آسیب‌های شهری، محیط‌های ناسالم و فضاهایی با فقدان مکانسیم‌های حفاظت اجتماعی، مواجه بوده و در بسیاری از محرومیت‌ها زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر، فقر شهری مساوی با کیفیت زندگی شهری نامطلوب و پایین می‌باشد. فقر شهری یعنی زندگی در شرایط فعال، مستعد و مناسب آسیب‌پذیری شهری که همان حاشیه‌نشینی و بازتولید آسیب‌های شهری و زیستن در سطح پایین کیفیت زندگی شهری می‌باشد. " فقر شهری یعنی دارا بودن ابعاد پنج گانه فقر که شامل؛ فقر درآمد، فقر بهداشت، فقر آموزش و پرورش، فقر در احساس امنیت و ناامنی‌ها و فقر تصدی می‌باشد که فرصت‌های مشارکت در اداره شهر، برخورداری از خدمات و امکانات شهری و فرصت‌های توسعه‌ای را بسیار محدود می‌کند" (نورمحمدی و حاضری، ۱۳۹۰: ۳۷۱). فقر شهری و فقرای شهری نشانه‌ها و شاخص‌هایی به شرح ذیل دارند. عدم دسترسی؛ به فرصت های شغلی پایدار، به منابع درآمدی و درآمد پایدار، به مسکن مناسب، به خدمات و امکانات متعارف شهری، به فضاها و سرانه‌های مناسب شهری مانند فضاها؛ سبز، فرهنگی، هنری، خدمات درمانی، بهداشتی و ...، سازکارهای تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی و در یک کلام عدم دسترسی به کیفیت زندگی شهری مطلوب. زمانی در درون یک جامعه، اجتماع و یک فضایی مانند فضای شهری، بسترها و شرایطی شکل می‌گیرد که فرد و یا گروهی دچار درماندگی ذهنی می‌شوند و رکود فکری پیدا می‌کنند و از این طریق فرهنگ فقر شهری در آن جامعه شیوع پیدا می‌کند.

ایضا: Commented [DM3]

بر اساس یافته‌های نظری مزبور و همچنین گزاره‌های نظری سلیگمن، سندھیل مولایتین، شفر، بنت گریو، فقر، فقر شهری و عامل فرهنگ فقر شهری، نتیجه توسعه ناپایدار و به‌ویژه توسعه نیافته‌گی فرهنگی، تجمع باورها و رسوب فکری و فرهنگی تعیین‌بخش فقر در اذهان افراد است که آنان را درمانده ذهنی، و ناتوان در تشخیص و تمییز ترجیحات ارزشی و به‌ویژه ارزش‌های فرهنگ شهری و در یک مفهوم فرهنگ فقر شهری می‌نماید. در نتیجه این فرایند، آنان به منابع شهری از جمله فضای مطلوب شهری دسترسی محدودی دارند. به تعبیر سندھیل ملایتین (۱۳۹۸)، فقر فرهنگی تونل ورود به فقر شهری و استقرار یافتن و ماندگار گشتن در تله فقر شهری می‌باشد. فقر فرهنگی موجب توجه فقر اقتصادی می‌شود که افراد آنرا مولود قضا و قدر می‌دانند. چنانچه شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، فقر از طریق باورها، ذهن و فرهنگ، دسترسی افراد به منابع ارزشمند را محدود می‌سازد و در این میان فقر فرهنگی شهری، فرهنگ فقر و رکود ذهنی بسیار مهم است، چرا که بر اساس گزاره نظری سندھیل «فقر احمق می‌کند».



شکل شماره ۱- چرخه بازتولیدکننده باورهای فرهنگ فقر شهری (پژوهشگر)

گزاره‌های نظری در مورد عامل فضای شهری، هم بیانگر نقش مهم این عامل در چرخه فقر شهری و فرهنگ فقر شهری است. نظریه‌های فضای شهری، گرانگاه وحدت‌بخش بین رشته‌ای به‌ویژه در رشته‌های جغرافیای شهری، برنامه‌ریزی شهری، معماری، جامعه‌شناسی توسعه، فرهنگی، شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی است. صاحب‌نظران این نظریه ترکیبی معتقد هستند که فضای شهری یک مفهوم چندبعدی هست که متغیرهایی مانند کالبد، مناسبات اجتماعی و سپهر فرهنگی و روانی در تشکیل آن بسیار مؤثر هستند. در این میان، تحلیل الگوهای فضایی پدیده‌های اجتماعی و رفتارهای انسانی مانند فقر و فرهنگ فقر شهری به‌ویژه در محدوده‌های مطالعاتی کوچک (شهر و محله‌های شهری) تأکید بیشتری بر کاربرد فرایند "انتشار گسترشی"^{۱۲} و الگوهای "انتشار فضایی"^{۱۳} آن دارند. در الگوی فضای شهری، نقش تراکم‌ها و به‌خصوص، تراکم اجتماعی و تراکم فضایی بسیار جدی و اثرگذار است. تراکم اجتماعی بر تعداد افراد که باهم روابط و مناسبات دارند، تکیه دارد، درحالی‌که تراکم

12. Expansion Diffusion

13. Spatial Diffusion

فضایی بر موقعیت و کالبد تأکید می‌کند. تراکم فضایی اغلب با شاخص‌های تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی بیان می‌شود اما دیگر شاخص‌ها و عوارض فضایی از جمله شبکه معابر و فعالیت‌های شهری (کاربری‌ها) نیز به نوبه خود سهم به‌سزایی در تراکم فضایی دارند. در دیگامنظری ساخت یابی، این شرایط سازمان دادن مستمر یا تغییر شکل ساخت‌ها است که به بازتولید نظام‌های اجتماعی می‌انجامد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵). بر اساس نظریه ساختی- عاملیتی گیدنز، نوع و میزان آسیب‌های اجتماعی، بازتولید آن‌ها، ساختارهای کالبدی و فضای شهری به دلیل حضور عامل قدرتمند فرهنگ‌فقر شهری و مولفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده این عامل یعنی؛ فرهنگ فقر اولی/ انتقالی، فقر فرهنگ‌شهری/ شهرنشینی، فقر شهری و فرهنگ فقر عام است که در فضای شهری ساکن و هم‌افزا می‌شود و کیفیت زندگی شهری را در یک بازی دوسویه عامل‌ها (عاملیتی) و ساختارها (ساختی) بر ساخت می‌کند.

- چارچوب روش‌شناختی

پژوهش سازه اجتماعی است که با ویژگی‌های چپستی؟، چرایی؟ و چگونگی؟ باید سامان یابد (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۶). باتوجه به ماهیت موضوع پژوهش که مبنای مقاله حاضر است و به‌محکم روش‌شناسی، روش پژوهش از نوع "ترکیبی هم‌زمان" ۱۴ و "ترکیبی متوالی" ۱۵ هست. با توجه به ساختار پرسش‌های پژوهش و برای کشف واقعیت‌ها، ظرفیت‌های موجود مرتبط با موضوع و پرسش‌های پژوهش در اجتماعات محلی و جامعه آماری پژوهش، از یک‌طرف می‌بایست با چراغ رویکرد استقرایی و با بهره‌مندی از روش‌های کیفی، به کشف این واقعیت‌ها می‌پرداختیم و از طرف دیگر با توجه به مدل مفهومی، چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش بر ساخت شده از یافته‌های پژوهش کیفی، می‌بایست با رویکرد قیاسی و در قالب روش‌های کمی مانند پژوهش پیمایشی، فرضیه‌های پژوهش را آزمون می‌نمودیم. به عبارت دیگر؛ وضعیت فضای شهری با شیوه‌های روش میدانی مشاهده و تصویربرداری می‌شود و برای تعریف و رتبه‌بندی مولفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری از روش/ شیوه کیفی گروه‌متمرکز ۱۶ بهره بردیم. از طرف دیگر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش کمی پیمایش بهره جستیم. برای انجام پیمایش ابتدا به شیوه خوشه‌ای از خوشه محله‌های شهری هر منطقه (۱۰ و ۱۷) دو محله به شیوه تصادفی ساده انتخاب و سپس به شیوه نمونه‌گیری جی‌پاور ۳۶۰ خانوار (پاسخ‌گواز هر خانوار) انتخاب و پرسش‌نامه‌های پژوهش‌گر ساخته که میانگین روایی آن با آزمون آلفا کر نیباخ ۹۴٪ بود، تکمیل شد.

جدول ۱- توزیع روش‌ها و ابزارهای گردآوری داده‌ها، جوامع آماری، شیوه نمونه‌گیری و جمعیت نمونه‌ها، بر اساس پرسش‌های کلیدی/ مفاهیم اساسی، محل و شیوه ارائه یافته‌های پژوهشی

ردیف	روش‌ها و ...			جامعه آماری و نمونه...			روایی	تجه‌ها کارایه در گزارش	
	ویکرد	روش	ار گردآوری	جامعه	نونهگیری	حجم		حل ارائه	بوه ارائه
۱	کمی	پیش و خرده پیمایش‌ها	پرسش‌نامه ه‌ش‌گرساخته	ان محله‌های دفی ساده و باشمی و بافت‌دهند، خوشه	نفر برای ۶۰ نفر میانگین خرده پیمایش	۹۴٪	ه خبرمگی و الفاکر نیباخ	ش تبیینی	ن آزمایی و تبیینی

14. Simultaneous combination

15. Consecutive combination

16. Focus Group

۲	کیفی	سن گروپ‌ها، نام‌ها، فیش نامه و مشاهده نام‌های مختلف	متخصصان، مبد، فضایی، بگلوله برقی و	نفر برای بیه + ۱۲ متر ی فکوس گر	مگی، اشباع مشگر و اشباع	توصیفی	بغی و تحلیلی
---	------	---	---------------------------------------	---------------------------------------	----------------------------	--------	--------------

- تحلیل تجربی

باتوجه به دامنه وسیع یافته‌های پژوهش که اساس مقاله پژوهشی حاضر هست، تلاش می‌کنیم، برخی از آن‌ها که مرتبط با عنوان نوشتار/ مقاله حاضر است را در دو بخش توصیفی (یافته‌های حاصل از روش‌های اسنادی، فوکوس گروپ، مشاهدات میدانی و ...) و تبیینی (نتایج حاصل از فرض‌آزمایی) توصیف، تبیین و تحلیل نماییم.

- یافته‌های توصیفی/ کیفی

- جمع‌بندی و تحلیل تطبیقی نیم‌رخ جامعه آماری فراگیر پژوهش

بر اساس یافته‌های پویشی (مشاهدات و مصاحبه‌ها) و همچنین به‌رمندی از یافته‌های اسنادی پژوهش^{۱۷}، موارد ذیل در قلمرو و دامنه فراگیر جامعه آماری پژوهش (برون خوشه‌ها) و محله‌های نمونه پژوهش (درون خوشه‌ها) به شرح ذیل قابل توصیف و تأمل هست.

محله‌هاشمی با ۵۵ سن سرپرستان خانوار میانگین حدود ۵۵ سال، جنسیت‌شان با میانگین ۸۷ درصد مرد، تحصیلات‌شان با میانگین ۸ کلاس سواد، محل تولد ۵۹ درصد تهران، قوم و گویش حدود ۳۵ درصد آذری و ... بسیار متفاوت از محله یافت‌آباد هست و واریانس‌های قابل‌تأملی دارند. سن سرپرستان خانوار محله یافت‌آباد با میانگین ۴۷ سال سن، با ۸۹ درصد مرد، تحصیلات ۸ و نیم کلاس، اشتغال حدود ۷۱ درصد، قوم و گویش آذری با حدود ۵۷ درصد، محل تولد حدود ۵۰ درصد تهرانی و ... متفاوت از محله‌هاشمی هست. بررسی متغیر اشتغال، نشان می‌دهد این شاخص در محله‌های منطقه ۱۰ کمتر و در محله‌هاشمی حدود ۴۷ درصد و برای منطقه ۱۷ بیش‌تر و برای محله یافت‌آباد حدود ۷۱ درصد هست. میانگین مساحت محله‌های هر دو منطقه در حوزه بلافاصل حدود ۷۵ متر است و در کل، میانگین مساحت بناهای منطقه ۱۰، دوازده متر کمتر از منطقه ۱۷ هست. میانگین قدمت بنای محله‌های مناطق ۱۷ و ۱۰ متفاوت و واریانس بیشتری دارند. محله‌هاشمی با حدود ۳۳ سال بسیار فرسوده و محله یافت‌آباد با ۱۸ سال از فرسودگی کمتری برخوردار است. مساحت ساختمان مانند ریزدانه‌گی در این دو منطقه شهری متفاوت و معنی‌دار هست و منطقه ده ریزدانه‌ترین منطقه شهر تهران می‌باشد محله‌هاشمی با ۷۴ درصد بیش‌ترین و منطقه ۱۷ با حدود ۵۰ درصد کمترین میزان مالکیت بر املاکشان را دارند و هاشمی‌ها مالک‌ترین و یافت‌آبادی‌ها مستأجرترین هستند. "ساختار قومی"^{۱۸} و فرهنگی محله‌ها بسیار قابل‌تأمل هست. هرچند اکثر شهروندان این مناطق و محله‌ها، دارای منشاء شهرستانی و به‌طور عموم غیر تهرانی هستند ولی تنوع فرهنگی و "قومی"^{۱۹} آن‌ها هم قابل‌تأمل هست. محله‌های یافت‌آباد و هاشمی با ۵۶ درصد و ۳۵ درصد گویش آذری بیش‌ترین تمایزات فرهنگ قومی را دارا می‌باشند. احساس تعلق محله‌ی و روابط محلی و نظامات اجتماعی حاکم بر تعاملات آن‌ها، سنتی، از نوع سرمایه‌اجتماعی عمودی و قوم محور هست و غریبه‌گی شهری در آن‌ها کمتر معنی دارد. "محل استقرار و نفوذ گروه‌های مرجع غالب در منطقه ۱۷ از نوع اقتصادی، مدنی و در منطقه ۱۰ مذهبی - سنتی است". محله‌هاشمی زنانه‌ترین محله تهران است، چون‌که بیش‌ترین زنان سرپرست خانوار را دارد. شرایط شکل‌گیری مدالیه‌های آسیب و جرم‌زا در منطقه ۱۰ بالا است و شرایط شکل‌گیری مدالیه‌های اقتصادی و سالم

۱۷ در پژوهش مزبور به‌غیر از یافته‌های کیفی مزبور از یافته‌های پژوهش مرتبط گروه مطالعاتی هم سو مانند؛ آمار تقصیلی سرشماری ۱۳۹۵، گزارش مهندسین مشاور هگزا (۱۳۹۹)، وب سایت‌های مدیریت شهری، گزارش شهر دوستدار کودک (مهاجری، ۱۳۹۵) و بازآفرینی شهری محور ابوذر (مهاجری، ۱۳۹۷) هم بهره بردیم.

¹⁸.Ethnic structure

¹⁹.Ethnic

در منطقه ۱۷ مستعدتر هست. از این روی در این مناطق واریانس‌ها هم از جهت گونه مدالیت‌ها و همه از حیث سرعت و میزان شکل‌گیری آن‌ها زیاد است. بسترهای زایش جرایم و آسیب‌های شهری در این منطقه است.

- باز تعریف سازه /عامل فرهنگ‌فقر شهری^{۲۰}

از جمله دست‌آوردهای پژوهش، تعریف خبره‌گانی از فقر شهری، فقر فضای شهری و به‌ویژه فرهنگ‌فقر شهری و تدوین سازه مفهومی و نظری آن‌ها است. در فرایند پژوهش کیفی گروه متمرکز متخصصان و اجماع آنان بر اساس داده‌های که دارای اشباع نظری بود، فقر شهری برای شهر تهران و به‌ویژه برای جامعه‌آماري پژوهش، بر اساس الگوی طراحی و ساخت نظریه به‌مثابه یک نقشه راه برای راهنمایی پژوهشگر (چلبی، ۱۳۹۰: ۲۳) بومی سازی شد. "فقر شهری، بر ساخت جدیدی با گسترش انتشاری فقر در شهر است که پی‌آمد توسعه ناپایدار کشور بوده و از طریق مهاجرت گروهی/گله‌ای و استقرارشان در فضاهای نامطلوب و فقیر شهری به وجود می‌آید، عدم دسترسی به منابع معیار شهری و زیستن در انواع مسکن غیر رسمی با تراکم‌های نامطلوب، عدم/کم‌برخور داری از سرانه‌های شهری از نشانه‌گان آن است و از مهم‌ترین پی‌آمدهایش باز تولید و شیوع آسیب‌های شهری و کیفیت زندگی پایین شهری است"^{۲۱}. به تعریف دیگر، فقر شهری با ویژگی‌های فرهنگی، روانی و اقتصادی و به عنوان یک خرده فرهنگ، مستعد باز تولید شونده‌ای که از یک فقر روستایی و یا یکی از مناطق اولیه فقر، به صورت دسته جمعی/گله‌ای به شهر کوچ و انتقال می‌یابد و نطفه آغازین فقر شهری می‌شود که با انباشت در فضاهای بی کیفیت شهری تغییر شکل داده و به صورت فزاینده به شکل یک فقر شهری فریه در می‌آید. این نوع فقر در بسیاری از موارد در تولید چرخه‌ی خویش مستمر باز تولید می‌شوند. بر اساس قوانین دانش اقتصاد، دام یا چرخه فقر توسط مکانیسم‌های خود تقویت کننده ای ایجاد می‌شود که باعث می‌شود فقر پس از انتقال از یک محیطی به محیط دیگر و یا حتی در درون یک محیط ادامه یابد. این وضعیت می‌تواند در طول نسل ادامه داشته باشد. در پژوهش حاضر برای اولین بار است که این سازه و مفهوم نظری و ابعاد/متغیرهای تشکیل دهنده آن با بهره مندی از برخی گزاره‌های نظری و هم‌اندیشی متخصصان مرتبط تعریف که یافته‌های مفهومی و نظری آن در قالب جدول شماره ۲، تدوین و ارایه می‌شود.

جدول شماره ۲- توزیع سازه/عامل فرهنگ‌فقر شهری و ابعاد/متغیرهای آن بر اساس تعاریف نظری/مفهومی شان			
نام عامل/سازه	تعریف نظری/مفهومی عامل	ابعاد/متغیرها	تعاریف ابعاد/مؤلفه‌های عامل
فرهنگ فقر شهری	سازهای مرکب از ابعاد پنج‌گانه زنجیره‌ای فرهنگ فقر انتقالی، فقر فضای شهری، فقر فرهنگ شهری/شهرنشینی، فقر شهری و فرهنگ فقر عام که در پی‌آمد توسعه ناپایدار جامعه کل/کشور و توسعه نامتوازن شهری می‌باشد و در فرایند چرخه معیوب نظام سرمایه داری ج زایش، تثبیت/نهادی و بر ساخت می‌وگانه/شیوه‌ای از زیست شهری می‌گردد.	فرهنگ فقر انتقالی/اولی	فقری با ویژگی‌های فرهنگی، روانی و اقتصادی و به عنوان خرده فرهنگ مستعد باز تولید شونده‌ای که از یک فقر روستایی و یکی از مناطق اولیه فقر، به صورت دسته جمعی/گله‌ای به شهر کوچ و انتقال می‌یابد و نطفه آغازین فقر شهری می‌شود که با انباشت در فضاهای بی کیفیت شهری تغییر شکل داده و به صورت فزاینده به شکل یک فقر شهری فریه در می‌آید.
			فقر فضای شهری، یعنی فضای فاقد غنا و ناهمسازی مثلث طاق فضای شهری (کالبد، مناسبات اجتماعی و سپهر فرهنگی) با فضای فرهنگی اجتماعی مکانیکی غریب‌پویا و مشحون از تراکم تهدید کننده، با عدم دسترسی‌های مطلوب به سرانه‌های کالبدی، خدماتی، اجتماعی، فرهنگی و هنری که سپهر کالبدی، فرهنگی اجتماعی شهر را برای ساکنان‌اش نامطلوب و نامطبوع می‌سازد
		فقر فرهنگ شهری	فقدان نظام معیارین و وجدان شهری (ارزش‌ها و هنجارها) و بی‌انومی ارزشی در شیوه زندگی شهری برای زیست شهری مطلق است و مهم‌ترین پی‌آمدهایش، عدم دسترسی به منابع پایدار شهری (شغل، درآمد، مسکن و اقتصاد پایدار)، ارزش‌ها و

^{۲۰} سازه فرهنگ‌فقر شهری و مؤلفه‌های آن از نتایج فکوس‌گروپ تخصصی پژوهش حاضر است.

^{۲۱} از آورده‌های مفهومی پژوهش حاضر است.

			فضلیت‌های شهری (فرهنگ شهرنشینی) و حاشیه نشینی شهر: عدم دست‌رسی به خدمات معیار شهری می‌باشد.
			فقر شهری، بر ساخت جدیدی با گسترش انتشار فقر در شهرها که در پی آمد توسعه ناپایدار کشور، از طریق مهاجرت و ازدحام در فضاهای نامطلوب شهری به وجود می‌آید، عدم دسترسی منابع معیار شهری و زیستن در انواع تراکم‌های نامطلوب شهر از نشانه‌گان آن است و مهم‌ترین پی‌آمدهایش بازتولید و شیوع آسیب‌های شهری و کیفیت‌زدگی پایین شهری است
			فرهنگ فقر عام/مشدد بر اساس تعریف اسکار لونیس، فرهنگ فقر یک امر آموختنی، انتقالی (انتقال به نسل‌ها) و شیوه‌ی برای زیست به عنوان یک خرده فرهنگ با خصیصه‌هی جهانی و فراتر از منطقه، شهر، روستا و ... با ابعاد روانی، اقتصادی و اجتماعی است.

بر اساس نظر و اجماع خبره‌گانی با تخصص‌های مختلف مرتبط با موضوع ساختمان/سازه عامل فرهنگ فقر شهری از ترکیب ابعاد چهارگانه؛ فرهنگ فقر انتقالی، فقر فضای شهری، فقر فرهنگ شهری و فقر شهری که هر کدام دارای شاخص‌های متعددی می‌باشند، بر ساخت شده است که خود با یک هویت مستقل دارای ساخت و کارکرد خاص است. در ادامه نوشتار مولفه‌ها و شاخص‌های ابعاد تشکیل دهنده سازه "فرهنگ فقر شهری" بر اساس یافته‌های خبره‌گانی را در قالب جدول شماره ۳، تدوین و معرفی می‌کنیم

جدول شماره ۳- توزیع متغیرهای عامل فرهنگ فقر شهری بر اساس ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های تشکیل دهنده‌اش

ابعاد	مولفه‌ها	ردیف	شاخص‌ها
فرهنگ فقر عام/مشدد	روانی	۱	احساس شدید محرومیت
		۲	احساس بی‌ارزشی و بی‌اعتباری
		۳	تمایل به انزوای مکانی و اجتماعی
		۴	روحیه پرخاش‌گری و عصبانیت
		۵	اشفته‌گی‌های روحی و روانی
		۶	ناامیدی و ترس/دلهره
		۷	تمایلات به لذت‌های جنسی/سکسی و غذایی/خوردنی
		۸	در لحظه بودن و بی‌تفاوتی به آینده
	اجتماعی و فرهنگی	۹	خرده فرهنگ دله نزدی، کیف قاپی و...
		۱۰	استفاده از وسایل دست دوم و کهنه
		۱۱	باور/اعتقاد به تقدیر گرایی
		۱۲	زنانه‌شدگی فقر/فقر زنانه
		۱۳	تعصبات جنسی و ناموسی
		۱۴	وجود مراکز اعانه‌ای و خیریه‌ای
		۱۵	میل به لذت جویی آنی
		۱۶	عدم مشارکت اجتماعی در امور محله
		۱۷	عدم اعتماد به مسئولین
		۱۸	عدم شغل ثابت/پایدار
فرهنگ فقر عام/مشدد	عدم/کم‌دسترسی به فرصت‌های		

	فرهنگ فقر	وضعیت کنونی (هنوز هم)	۱۹	عدم دسترسی/ خرد	عدم درآمد پایدار
			۲۰	عدم دسترسی به خدمات	داشتن زندگی معیشتی اعانه‌ای
			۲۱	عدم دسترسی به خدمات	عدم دسترسی مناسب به حمل و نقل شهری
فرهنگ فقر	وضعیت گذشته	وضعیت کنونی (هنوز هم)	۲۲	عدم دسترسی به خدمات	عدم دسترسی نامناسب به خدمات شهری
			۲۳	عدم دسترسی به منابع اقتصادی و درآمدی شهر (بازار، کسب کار، تولید)	(سرانه‌های آموزشی، رفاهی، تفریحی، بهداشتی، فضای سبز و...)
			۲۴	وضعیت گذشته	عدم دسترسی به منابع اقتصادی و درآمدی شهر (بازار، کسب کار، تولید)
فرهنگ فقر	وضعیت کنونی (هنوز هم)	وضعیت گذشته	۲۵	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله به صورت قومی به این منطقه/ محله مهاجرت و زندگی می‌کنند
			۲۶	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
			۲۷	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله وضعیت سابق و فرهنگ اولی را حفظ می‌کنند
فرهنگ فقر	وضعیت کنونی (هنوز هم)	وضعیت گذشته	۲۸	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
			۲۹	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله وضعیت سابق و فرهنگ اولی را حفظ می‌کنند
			۳۰	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
فرهنگ فقر	وضعیت کنونی (هنوز هم)	وضعیت گذشته	۳۱	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
			۳۲	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله وضعیت سابق و فرهنگ اولی را حفظ می‌کنند
			۳۳	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
فرهنگ فقر	وضعیت کنونی (هنوز هم)	وضعیت گذشته	۳۴	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
			۳۵	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
			۳۶	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
فرهنگ فقر	وضعیت کنونی (هنوز هم)	وضعیت گذشته	۳۷	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
			۳۸	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند
			۳۹	وضعیت کنونی (هنوز هم)	بیشتر اهالی محله از اول مسکن و امکانات شهری مناسب نداشتند

- یافته‌های توصیفی پیمایش

برای تعیین وضعیت عامل فرهنگ‌فقر شهری، ابتدا نتایج یافته‌های توصیفی هر یک از ابعاد/ متغیرهای تشکیل دهنده این عامل فرهنگ‌فقر شهری را با ترکیب و کامپیوت کردن ابعاد تشکیل دهنده آن سنجش و در جدول شماره ۴ نتایج آن را گزارش می‌کنیم. تلاش می‌کنیم تا تفاوت‌های درون‌خوشه و برون‌خوشه‌ای ابعاد تشکیل دهنده فرهنگ‌فقر را به شیوه مقایسه‌ای و تطبیقی، مشخص کنیم.

جدول ۴ - توزیع نسبی نمونه‌های پژوهشی بر اساس نظراتشان در مورد توزیع ابعاد فرهنگ‌فقر شهری محلشان

میزان شیوع در محله و رتبه		ابعاد فرهنگشهری
هاشمی %	یافت‌آباد %	
۷۳ (۲)	۴۳ (۵)	فقر فرهنگشهری/شهرنشینی
۸۰ (۱)	۴۵ (۴)	فقر فضای شهری
۶۹ (۴)	۴۸ (۳)	فرهنگ فقر انتقالی/اولی
۶۷ (۵)	۴۹ (۲)	فقر شهری/اقتصادی
۷۲ (۳)	۵۵ (۱)	فرهنگ فقر عام
۷۲	۴۸	میانگین (فرهنگ فقر شهری)

با توجه به نتایج و یافته‌های جدول شماره ۴ در محله هاشمی، درصد فقر فضای شهری با رتبه ۱ و فقر فرهنگشهری با رتبه ۲ بسیار زیاد است در محله یافت‌آباد درصد فرهنگ فقر عام رتبه ۱ و فقر شهری رتبه دوم را دارد. در مجموع بر اساس نظر پاسخ‌گویان ۷۲ درصد اهالی محله هاشمی دارای فرهنگ فقر شهری هست و این عدد برای محله یافت‌آباد ۴۸ درصد است. دلیل وضعیت بهتر محله یافت‌آباد به فرهنگ فقر اولی و انتقالی و فرهنگ شهرنشینی و دسترسی‌های اهالی این محله به منابع اقتصاد شهری برمی‌گردد. چنان‌چه در معرفی محله‌های پژوهش گزارش کردیم، وجود بازار بزرگ میلان و برخی بازارهای مستقر در این محله و وجود برخی مؤلفه‌های شهری، وضعیت این محله را تحت تأثیر قرار داده و شیوع فرهنگ فقر شهری را تا حدودی کاهش داده است.

جدول ۵- توزیع فقر فضای شهری محله‌های پژوهش بر اساس عناصر تشکیل‌دهنده‌اش

داده‌اند اندازه‌گیری		یافته‌های پژوهش	
عامل	متغیرها	فرانز	منطقه ۱۰ هاشمی
مطلوبیت/ فقر فضای شهر	تراکم کاربری‌های خدماتی محله	نسبی	۳۶
	تراکم کاربری‌های کالبدی (سازها و محله)		۸۹
	تراکم کاربری‌های اجتماعی		۷۹
	تراکم کاربری‌های مناسبات فرهنگی/ هنری		۸۹
	میانگین		۸۰
			۴۵

به دلیل اهمیت و وزن بیش‌تر عامل میزان مطلوبیت/ فقر فضای شهری در پژوهش حاضر و نقش بسیار مهمی که در تولید و بازتولید فرهنگ فقر شهری ساکنان محله‌های پژوهش دارد، آن را به عنوان یک عامل مستقل بررسی و سنجش کردیم. با نگاهی به ابعاد تشکیل‌دهنده میزان مطلوبیت/ کیفیت و یا فقر فضای شهری محله‌های هاشمی و یافت‌آباد و یافته‌های پژوهشی بر اساس جدول شماره ۵، درمی‌یابیم که وضعیت بافت‌های مسکونی فرسوده، ریزدانی آن‌ها، وجود بناهای مخروبه شکل، سازه‌های مربوط به ساختمان و بناهای عمومی، زوائد بصری، تفاوت‌های قابل‌توجه کاربری‌های فرهنگی و تراکم‌های مربوط به آن‌ها در محله هاشمی بسیار نامطلوب‌تر از محله یافت‌آباد است.

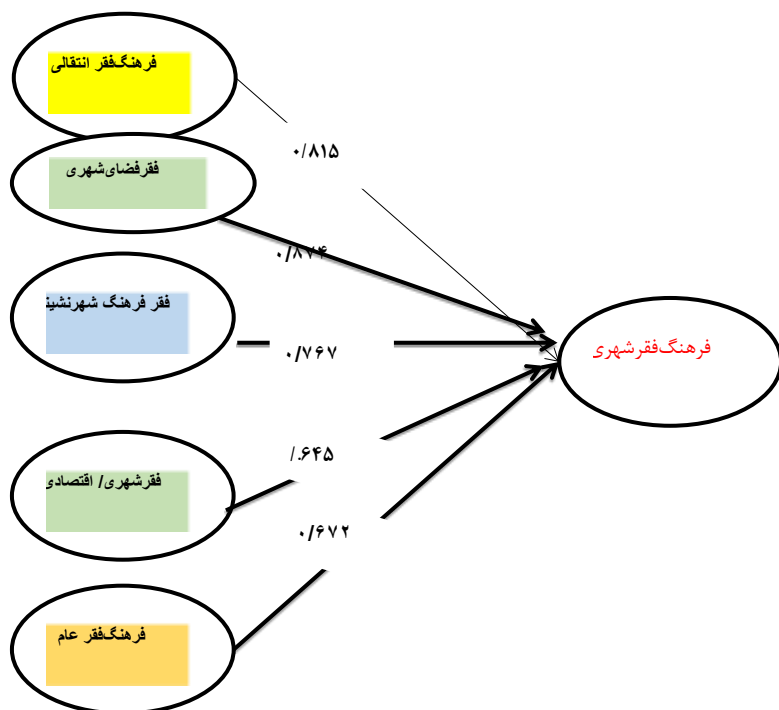
- یافته‌های تبیینی

فرضیه اول: "میان میزان شیوع ابعاد فرهنگ فقر شهری در جامعه آماری پژوهش همبستگی و رابطه معنا داری وجود دارد".

فرض روشی و بینشی این است که میان ابعاد تشکیل دهنده سازه فرهنگ فقر شهری، انسجام درونی و هم‌سوایی وجود دارد و با کاهش/ افزایش میزان یکی آن‌ها، میزان سایر ابعاد هم کاهش/ افزایش می‌یابد. البته مشخص شدن متغیر/ بعد موثرتر سازه مزبور هم از نتایج آزمون این فرضیه هست. با توجه به انجام آزمون رگرسیونی تحلیل مسیر

برای خوشه متغیرها/ ابعاد تشکیل دهنده سازه نظری فقر، یافته‌های آن را در ادامه گزارش و در قالب جدول شماره ۶ و شکل شماره ۴، توصیف و تبیین می‌کنیم.

جدول شماره ۶- توزیع ابعاد فرهنگ فقر شهری بر اساس میزان ضرایب همبستگی، تعیین و سطح معنی داری				
متغیرهای فرهنگ فقر شهری	تعداد پاسخگویان	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
فرهنگ فقر انتقالی / اولی	۳۶۰	۸۱۵%	۶۶%	۰۰۰%
فقر فضای شهری	۳۶۰	۸۷۴%	۷۶%	۰۰۰%
فقر فرهنگ شهری / شهرنشینی	۳۶۰	۷۶۷%	۵۹%	۰۰۱%
فقر شهری / اقتصاد	۳۶۰	۶۴۵%	۴۲%	۰۰۱%
فرهنگ فقر عام / دومی	۳۶۰	۶۷۲%	۴۵%	۰۰۰%



شکل شماره ۴ میزان همبستگی تأثیر ابعاد تشکیل دهنده فرهنگ فقر شهری

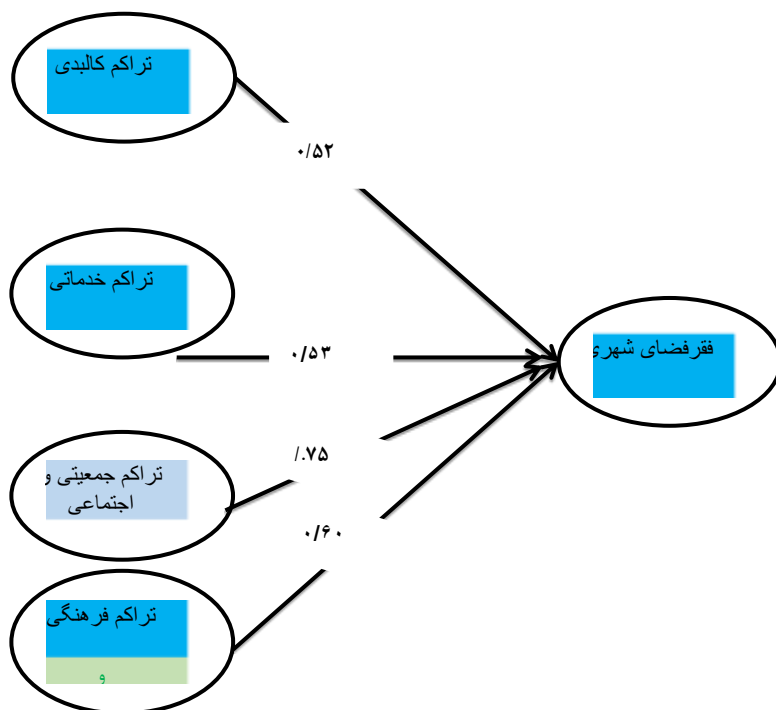
با توجه به مقادیر جدول شماره ۶ میان ابعاد فرهنگ فقر شهری محله‌های پژوهش، هم‌همبستگی زیاد وجود دارد و هم ضریب تعیین و تبیین واریانس/ تغییرات ابعاد زیاد است. به عبارت دیگر این سازه یک سازه منسجم و با ضرایب همبستگی زیاد می‌باشد. نتایج، یافته‌ها و تحلیل فرضیه مزبور و ابعاد/ متغیرهای کلیدی تشکیل‌دهنده فرهنگ فقر شهری، نشان می‌دهد که فقر فضای شهری و سهم باورها، کلیشه‌های قالبی، الگوهای عمل و به عبارت دیگر فرهنگ در تعیین و تبیین واقعیت‌ها اجتماعی، اقتصادی و شهری خیلی زیاد است. در بررسی تطبیقی وضعیت اثربخشی و تأثیر گذاری ابعاد و متغیرهای تشکیل دهنده فرهنگ فقر شهری، در میان دو محله‌های شهری و یافت‌آباد، نتیجه آزمون نشان می‌دهد که اهالی محله یافت‌آباد نسبت به محله‌های کم‌ترو در برخی ابعاد دارای فرهنگ فقر شهری متمایز و متفاوت هستند. در محله‌های شهری شیوع بیشتری دارد و مشاهدات میدانی هم با یافته‌های مزبور همخوان است.

فرضیه دوم: " میان ابعاد تشکیل دهنده میزان مطلوبیت/ کیفیت فضای شهری همبستگی و رابطه معناداری وجود دارد."

جدول شماره ۷- توزیع ابعاد فقر فضای شهری براساس میزان ضرایب همبستگی، تعیین و سطح معناداری شان				
متغیرهای فقر فضای شهری	تعداد پاسخگویان	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
تراکم کالبدی	۳۶۰	۷۱۵٪	۵۲٪	۰۰۳٪

تراکم خدماتی	۳۶۰	%۷۲۳	%۵۳	%۰۰۰
تراکم اجتماعی جمعیتی	۳۶۰	%۸۶۷	%۷۵	%۰۰۱
تراکم فرهنگی و هنری	۳۶۰	%۷۷۲	%۶۰	%۰۰۰

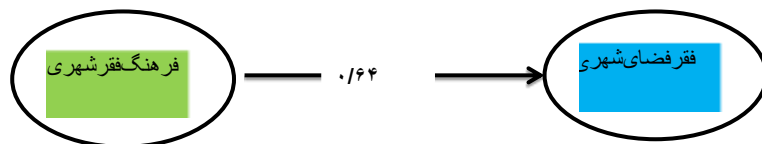
چنانچه جدول شماره ۷ و شکل شماره ۵ نشان می دهند، در سطح ۹۹ و ۹۵ درصد اطمینان میان متغیرهای عامل فقر فضای شهری رابطه وجود دارد و ضرایب همبستگی و تعیین میان آن ها نشان می دهد که واریانس/ تغییرات هر یک از ابعاد توسط بعد دیگر در سطح زیاد و بیش از ۶۰ درصد تبیین و تعیین می شود. به عبارت دیگر با کاهش/ افزایش تراکم کالبدی (سازه ها، ریزدانه گی، فرسوده گی و ...) تراکم خدمات شهری کاهش/ افزایش می یابد. هم چنین هر چه تراکم اجتماعی و جمعیتی کاهش می یابد، تراکم فرهنگی هم کاهش می یابد و بالعکس اش هم صادق است. چنانچه از جدول مشخص است، جهت تغییر متغیرها همسو می باشد و با تغییر واحدهای هر یک از متغیرها، میزان تغییرات آن دیگری در همان راستا اتفاق می افتد. اگر تراکم جمعیتی، اجتماعی، کالبدی افزایش یابد، به طور حتم فقر فضای شهری افزایش می یابد و به این طریق فضای شهری برای بازتولید و شیوع آسیب های شهری مستعدتر می شود. از این روی، تراکم ها و سرانه ها از شاخص های مهم و تعیین کننده فقر فضای شهری هستند. یافته های توصیفی حاصل از روش های کیفی مانند اسنادی (سرشماری ها) میدانی (مشاهدات و تصاویر) و ... موید یافته های فرضیه مزبور می باشد. تراکم جمعیتی محله هاشمی چهار برابر استاندارد شهری است.



شکل ۵- توزیع میزان تبیین ابعاد فقر فضایی شهری

فرضیه سوم: "میزان شیوع فرهنگ فقر شهری جامعه آماری پژوهش میزان تغییرات فقر فضایی شهری را تعیین و تبیین می کند".

جدول ۸- توزیع مقادیر آزمون t، معناداری، شدت همبستگی r و ضریب تعیین براساس میزان شیوع فرهنگ فقر شهری در محله های پژوهش و فقر فضایی شهری محله ها از نظر نمونه های پژوهشی				
متغیرها	مقدار t	سطح معناداری	همبستگی	
			ضریب تعیین	ضریب همبستگی
میزان شیوع فرهنگ فقر شهری در محله های پژوهش مطلوبیت/ فقر فضایی شهری محله ها از نظر نمونه های پژوهشی	۵,۸۵٪	۰/۰۰۰	۸۰٪	۶۴٪



شکل شماره ۶- میزان تبیین فرهنگ فقر شهری و فقر فضایی شهری

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۸ و شکل شماره ۶، از نظر نمونه‌های پژوهشی میان شیوع فرهنگ فقر شهری (محله‌های هاشمی و یافت‌آباد) با میزان وجود فقر فضایی شهری با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنادار و فرضیه مزبور تأیید می‌شود. فرهنگ فقر شهری دارای خصلت‌های است که هر فرد و یا جامعه‌ای آن را داشته باشد، بستر را برای انتخاب و میزان بهرمندی از کیفیت فضای شهری فراهم می‌آورد. میانگین مطلوبیت و کیفیت فضای شهری محله یافت‌آباد در همه ابعاد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی‌اش بیشتر و بهتر از محله هاشمی است. این تفاوت معنی‌دار را آزمون T برای دو جامعه مستقل تأیید می‌کند که نتایج آن در جدول شماره ۸، گزارش شده است. شدت همبستگی این دو زیاد و قوی (۸۰ درصد) است. به عبارت دیگر میزان مطلوبیت و کیفیت فضای زیستی یک محله به شدت تحت تأثیر میزان فرهنگ فقر شهری و ابعاد آن می‌باشد.

- نتیجه‌گیری و ارایه دلالت‌های نظری و عملی پژوهش

در جمع‌بندی فرهنگ فقر شهری به این یافته کلیدی و منطقی رسیدیم که افراد مهاجر که به دلیل فقر و به شیوه گروهی، دسته‌جمعی/ قومی و فرهنگی به برخی محله‌های شهر تهران مانند مناطق ۱۰ و ۱۷ شهری که به‌طور عمده فقر فضایی شهری دارند، کوچ و مهاجرت نموده‌اند با مهاجرت‌شان فرهنگ فقر/ فرهنگ اولی را با خودشان به محل سکونت جدیدشان انتقال داده‌اند. از این افراد آن‌هایی که در فرهنگ شهری نتوانستند هضم و ادغام شوند، دچار فقر فرهنگ شهری شده و با داشتن میزانی از این فقر به منابع اقتصاد شهری و فرصت‌های پدیدار آن دسترسی پیدا ننموده و در تله فقر شهری گرفتار شدند. این وضعیت و فرایند، فقر شهری و ویژگی‌های آن را گسترش و تشدید نموده و فقر شدید/ مضاعف شده است. در مجموع با ترکیب این ابعاد باهم‌دیگر، سازه و عامل فرهنگ فقر شهری را بر ساخت می‌شود که حاملان این فرهنگ در فضاهای نامطلوب شهری که در این پژوهش آن را فقر فضایی شهری نامیدیم، ماندگار می‌کند تا بر اساس ترجیحات ارزشی و نظام معیارین جدیدشان در آن فضای شهری نامطلوب/ فقر فضای شهری به بازتولید آسیب‌های شهری بپردازند و از این طریق کیفیت زندگی‌شان را نامطلوب سازند و پایین نگه‌دارند. به عبارت دیگر، باورهای فقر و فرهنگ اولی روستایی و یا یک منطقه فقیر به نام فرهنگ فقر که مهاجران با خود به شهر آوردند، هم‌چنان در ادامه مسیر زندگی‌شان مانا هست و با عدم ادغام در فرهنگ شهرنشینی، شرایط را در دسترسی به منابع اقتصاد شهری و فرصت‌های زندگی شهری برای صاحبان‌شان سخت و اندک می‌کند و از این طریق و در این فرایند، واقعیت جدیدی از فقر به نام فرهنگ فقر شهری بر ساخت می‌شود. مهم‌ترین و ظریف‌ترین یافته فرهنگ فقر شهری آن است که در تعامل میان فرهنگی، مهاجران فرهنگ مبدا و مقصد را به گونه و شیوه ترکیب نموده و ترجیحات ارزشی آن را درونی کردند که فقط با این شیوه یعنی فرهنگ فقر شهری می‌توانند زیست شهری را ادامه دهند و این نوع فرهنگ و شیوه زیست شهری آنان را با سایر شهرنشینان که از فرهنگ فقر شهری به‌دور هستند، بسیار متمایز می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر در بستر نظری بر ساختی خود با گزاره‌های نظری، فقر بنت‌گرایو و مولایتن، فرهنگ فقر اسکار لوییس، میدان بورديو، ساختی عاملیتی گیدنز، فضای شهری لوفر و حق به شهر هاروی همخوانی دارد. همچنین با یافته‌های پژوهشی، اسکار درمورد خصیصه‌های فرهنگ فقر، پاپ و مک‌فارلی درمورد فقر شدید/ شدید، کاساردا و ویلسون، فقر فضایی شهری، عزیزی، فقر فضایی شهری و فرهنگ فقر، احمدی و ایمان، تعامل میان فرهنگی فرهنگ مبدا و مقصد مهاجران در بر ساخت فرهنگ فقر جدید و همچنین با یافته‌های عینی و شام‌حسینی درمورد آزمون وجود ویژگی‌های فرهنگی، فرهنگ فقر اسکار در برخی مناطق ایران، هم‌سویی دارد. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین پیشنهاد نوشتار حاضر، فهم درست تعامل‌های میان فرهنگی و برنامه‌ریزی مبتنی بر آن، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری شهری و اجرای عدالت شهری با مدیریت مشارکت شهری است.

Commented [DM5]: ایضا

- منابع/ کتاب‌نامه

- ایمان، محمدتقی و احمدی، ایمان. (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه درمیان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز درسال ۱۳۸۳، نشریه مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۱۹، شماره ۲ (ویژنامه علوم اجتماعی)، صفحات: ۹۹-۱۱۸.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۵). ویژگیهای تاریخی شهر نشینی در ایران- دوره اسلامی، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره چهارم، صفحات ۹۰-۱۲۰.
- ایمانی، محمد تقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری کشکولی، علی، ذاکریان، ملیحه، دهستانی، محمدرضا و سیادتان، محمد. (۱۳۹۹). فقر و خشونت شهری، تهران: انتشارات صالحیان.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۵). نقد اجتماعی قضاوت های ذوقی، مترجم: حسن چاوشیان، تهران: ناشر ثالث. چاپ چهارم.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). فقر و جنبش های اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی سال ۵، شماره ۱۹.
- چلبی، مسعود. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: انتشارات نشر نی.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد، و زاهدی عبقری، ابراهیم. (۱۳۹۶). روستاییان فقیر و آسیب پذیر (خطوط اساسی برای شناسایی قشرهای فقیر و آسیب پذیر روستایی). مرکز اطلاعات علمی، سایت <https://sid.ir/paper/416767/fa>.
- شاه حسینی، پروانه و توکلی، هانیه. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص های کیفیت زندگی شهری مورد: محله وردآورد منطقه ۲۱ شهر تهران، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۲۴، ص ۱۴۴-۱۲۷.
- عزیزی، علی، فرزامپور، اصغر و سنگالچین، اصغر. (۱۴۰۱). بررسی رابطه فقر و شاخص عملکرد محیط زیست در کشورهای با گروه درآمدی مختلف، نشریه جامعه شناسی کاربردی، سالی و سوم، شماره پیاپی ۸۶، صفحات ۱۱۷-۱۳۶.
- فاضلی، نعمت اله. (۱۳۸۹). فرهنگ فقر. تهران: تپسا.
- کرسول، جان دبیلو. (۱۳۹۶). طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی)، ترجمه، دانائی فرد، حسن و صالحی، علی، تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- کلهر، احمد. (۱۳۸۴). فقر و شیوه های مدیریتی مقابله با فقر، مجله اقتصادی، شماره ۴۵ و ۴۶، صفحات: ۲۰-۲۳.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لونیس، اسکار. (۱۳۶۵). فرهنگ فقر و شناخت آن، ترجمه رجبعلی حاسبی، تبریز: انتشارات نوبل.
- لونیس، اسکار. (۱۳۶۴). پدرمارتینز، ترجمه حشمت اله کامرانی، تهران: انتشارات ایران یاد.
- مهاجری، اصغر. (۱۳۹۵). مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهر دوستدار کودک، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری شهرداری تهران.

- مهاجری، اصغر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث و توسعه ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب، دانشگاه تهران، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی.
 - مهاجری، اصغر. (۱۳۹۹). مطالعات اجتماعی و بازآفرینی شهری محور ابوذر، شهرداری منطقه ۱۷ تهران.
 - مهاجری، اصغر، نوابخش، مهرداد و ملک‌محدی، فاطمه. (۱۴۰۲). از چاله به چاه (نگاه تطبیقی و تلفیقی گرا از منظر جامعه‌شناسی معاصر به مسأله‌های بنیادی فقر مضاعف و کیفیت زندگی در شهر تهران)، مجله دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، باشناسه دیجیتال DOI/10.22084/CSR.2023.27907.2207، صفحات: ۱۶۹ تا ۲۱۲.
 - مهاجری، اصغر، نوابخش، مهرداد و ملک‌محدی، فاطمه. (۱۴۰۳). توسعه اجتماعی ناپایدار، شهر نامتوازن و کیفیت زندگی شهری، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۳، صفحات: ۳۲ تا ۵۵.
 - مهاجری، اصغر، نوابخش، مهرداد و ملک‌محدی، فاطمه. (۱۴۰۳). مدیریت شهری مشارکتی و عدالت شهری (نگاهی تلفیق‌گرا، بین رشته‌ای و تطبیقی به مدیریت شهری مشارکتی و تأثیر آن در کیفیت زندگی شهری به عنوان شاخص جامع عدالت شهری در شهر تهران)، مجله رسانه جامعه فرهنگ، دوره ۱۳، شماره ۳، صفحات: ۲۲ تا ۴۵.
 - مولائیتین، سند هیل و الدار شفیق. (۱۳۹۸). فقر احق می‌کند، ترجمه امیر حسین میرابوطالبی، تهران: انتشارات ترجمان.
 - نوابخش، فرزاد. (۱۳۸۷). ارتباط فقر با میزان رعایت قانون حاشیه نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی. پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال اول، شماره ۳. صفحات: ۷۵ تا ۹۸.
 - ویر، ملکس. (۱۳۷۳). شهر در گذر زمان، ترجمه و مقدمه، شیوا (منصوره) کلویانی، تهران. انتشارات نشر شهر.
 - هاروی، دیوید، لوفور، هانری؛ سوچا، ادوارد؛ دی. لایت، راسل؛ مالون، کارن؛ ا. فرنلتو، نیشا. (۱۳۹۵). مطالعات شهری؛ نظریه و عمل (ج ۱). ترجمه نرگس خالصی مقدم و آیین ترکمه، تهران: موسسه نشر شهر.
 - هاروی، دیوید. (۱۳۸۲). عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. چاپ دوم.
 - نورمحمدی، مهدی وحاضری، حاتف. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مرتبط با فقر شهری ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵، مجله رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صفحات: ۳۶۷-۴۰۰.
 - هگزا، گروه مهندسی. (۱۳۹۹). گزارش اقدام عملی احداث ادامه بزرگراه یادگار امام جنوب تهران، تهران: معاونت عمرانی شهرداری تهران.
- Dhaliwal, C. (2000). Fundamental of environmental science. India: Kalyani Publishers.
- Greve, Bent (2020). Poverty: The Basics, Routledge, 2 park square, Milton park, Abingdon, Oxon OX14 4RN.
- fisher, N.I., (1995). Statistical analysis of circular data. Cambridge University Press, Cambridge, UK.
- Lewis, A. (1974). Children of Sanchez. Translated by Heshmatollah Kamrani. First Volume, Tehran, Hermes. - Lewis, A. (1986), Culture of Poverty and its Recognition, Translated by Rajab Ali Hasebi, Tabriz: Nobel Publications.
- Kasard, J. D., Lindsay, G., (2012): Aerotorpolis: The Way Well Live Next. Farrar, Straus and Giroux. Illustrated, September 18, 2012.

Pacione, M (2003): Urban environmental quality and human wellbeing—a social

- چکیده انگلیسی

Coherence in the intercultural body of urban poor culture (Structural and interdisciplinary analysis of the culture of urban poverty in Tehran, case study: Districts 10 and 17 of Tehran)

Malekmohammadi, F

Doctoral student of Sociology Cultural, Faculty of Human, sciences Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Email: Malekmohammadi.fa@gmail.com)

Mohajeri, A

Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Social sciences, Communication and Media

University of Tehran Markazi Branch, Tehran, Iran (corresponding author) (Email: asgharmohajeri@yahoo.com)

Navabakhsh, M

Professor of Sociology, Faculty of Human, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: navabakhsh@srbiau.ac.ir)

Abstract: In an intercultural interaction (rural culture, nomadic, urban culture, etc.), some sub-cultures around poverty are created, urban poverty culture. In this case, the reality of poverty reveals another construct and the owners of this culture (the poor) give another meaning and interpretation of poverty, and the problem of poverty is expressed differently. The importance and necessity of such a view and approach to the problem of the culture of poverty is due to the increasing trend of urban poverty and its spreading pattern in the cities of the world, Iran and specifically in the city of Tehran in recent decades. This article is a part of a research that examines poverty, urban spatial poverty and urban poverty culture, its contexts, mediators and consequences at the levels of micro and macro, mind and object, structures and agents, especially from the perspective of cultural disciplines and cultural sociology in particular, in some urban areas of Tehran in a simultaneous and mixed method. He has studied and researched continuously. The sample size of the qualitative part of the research for the implementation of a focused group of 14 experts and experts and for the quantitative part (survey) was 360 households from the 10th and 17th districts of Tehran, who completed the selection and questionnaire made by Validity (alpha more than 94%) by G. power sampling method. Some of the achievements of the qualitative part are the definition and construction of the conceptual and theoretical structure of urban slum culture and the formulation of its constitutive and systematic dimensions in the form of theoretical propositions. The findings of the survey are the evaluation of the hypotheses related to the culture of urban poverty, which show their internal and external coherence and the significant confirmation of their inter-cluster and intra-cluster relationship between the culture of urban poverty and urban spatial poverty by statistical T tests and regression correlations.

Key words: poverty, urban poverty culture, urban space poverty, urban culture, cross-culture